

تربیت جوان

از دیدگاه معصومین (ع)

در روایات می‌توان مسائل مربوط به جوان را به دست آورد، قبل از پرداختن به مباحث اصلی تربیت جوان، لازم است معنای لغوی این واژه‌ها بیان و از لابلای آراء لغویین معتبر محدوده سن جوانی را مشخص نمائیم. برای این منظور اقوال بعضی لغویین معتبر را نقل و سپس به جمع بندی و نتیجه گیری آنها به پردازیم.

۱- زبیدی در تاج العروس «الشباب»

را به معنای جوانی و نوری بودن می‌داند و از محمد بن حبيب نقل می‌کند که: زمان غلومیت از تولد تا ۱۷ سالگی و شبانیت از ۱۷ تا ۵۱ سالگی است و از ۵۱ سالگی تا مرگ سن پیری است و دو قول دیگر را نیز نقل می‌کند که «یکی جوانی را از بلوغ تا ۳۰ سالگی و دیگری از ۱۶ تا ۳۲ سالگی و بعد از آن را سن کهولت» ذکر می‌کند.^۱

۲- ابن منظور در «لسان العرب»

ضمن ارائه معنای فوق به حدیثی از «شریح» استشهد می‌کند که معلوم می‌شود جوانی در مقابل صباوت و کودکی است و بعد از بلوغ آغاز می‌گردد.^۲

۳- طریحی در مجمع البحرین دوره

جوانی را قبل از دوره کهولت می‌داند و نقل می‌کند که در حدیث، به انسان ۳۰ ساله جوان (الشباب) اطلاق شده است.^۳

۴- فیومی نیز در «مصباح المنیر»

جوانی را قبل از سن کهولت به حساب آورده است.^۴

علی همت بناری

قیامت اولین سؤال از جوانی است «رسول خدا(ص) فرموده است:» در قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه از او سؤال می‌شود عمرش را در چه کاری فنا کرده و جوانیش را در چه راهی صرف نموده است»^۵

اهمیت دوره جوانی و جایگاه ویژه جوانان ضرورت تربیت آنان را دو چندان کرده است. در این راه بهره گرفتن از شیوه‌های تربیتی مریبان مطمئن و معصوم، خود ضرورت دیگری است تکیه بر دیدگاهها و سیره انسانهای معصوم در تربیت تردید را از سر راه بر می‌دارد و انسان را در مسیر پریخ و خم تربیت سلامت به مقصد می‌رساند.

برای پیدا کردن دیدگاههای

معصومین (ع) در روایات، واژه‌های «الشباب، الشاب، الشبان و الفتاء»

واژه‌های کلیدی است که با رجوع به آنها

جوانان با ویژگیهای خاص خود چون

قدرت و توان بدنی، فعال و پرتحرک بودن، مقطع سنی مناسب، زمینه و امکان بر عهده گرفتن مسئولیتهای بزرگ و جایگاه ویژه‌ای در هر جامعه دارند دوره جوانی بهترین و با نشاطترین دوره زندگی است، فرصت جوانی فرصتی استثنائی و زمینه‌ای مناسب برای برداشتن گامهای بلند و حرکت به سوی کمال مطلوب است، معصومین (ع) در سخنان دُرربار خود بر اهمیت و لزوم بهره‌برداری کامل از آن تأکید بسیار نموده‌اند. علی (ع) فرموده است: «دو چیز است که ارزش و قیمت آنها را نمی‌داند مگر کسی که آنها را از دست داده باشد. یکی جوانی و دیگری تندرستی»^۶ نیز رسول گرامی اسلام در وصیت به ابودر فرموده است: پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار، جوانیت را قبل از پیری و...^۷ و در

تکیه بر دیدگاهها و سیره انسانهای معصوم در تربیت تردید را از سر راه بر می‌دارد و انسان را در مسیر پرپیچ و خم تربیت سلامت به مقصد می‌رساند.

مسائل اساسی جوانان

الف: تحصیل

از عوامل مؤثر در تربیت، فراهم نمودن زمینه تحصیل و دانش است، آگاهی، شناخت عامل مؤثر در هر کار و شرط قدم نهادن در هر مسیر است، علم و دانش چراغ راه حرکت جوان در زندگی است. جوان از طریق دانش به جایگاه اجتماعی شایسته خود دست می‌یابد و زمینه رشد و تعالی خود را فراهم می‌نماید. جوان از طریق تحصیل و مطالعه به تجارب گذشتگان دست می‌یازد و از آنها ره توشه آینده می‌گیرد، در مقابل با محروم بودن از دانش و تحصیل به ارزش واقعی خود پی نخواهد برد و در انجام وظایف کوتاهی و سرانجام خود را ضایع و بی‌اعتبار می‌کند.

امام صادق(ع) فرموده است:

«دوست ندارم جوانی از شما مسلمانان را ببینیم مگر اینکه روز او با یکی از دو حالت آغاز شود: یا عالم و دانشمند باشد و یا در حال فراگیری علم و دانش پس اگر جوان چنین نباشد در انجام وظیفه کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کند ضایع می‌شود و اگر ضایع [و بی‌اعتبار] شود مرتکب گناه می‌گردد و قسم به کسی که محمد رابح مبعوث کرد کسی که مرتکب گناه شود در آتش الهی مسکن خواهد گزید.»^{۱۱}



تحصیل و دانش آموزی نه تنها برای اعتبار اجتماعی و تأمین معیشت جوان ضروری است که ابزار مهم برای حفظ دین است. علی(ع) فرموده است:

نتیجه‌گیری نهائی

شباب به معنای جوانی و نوری بودن است و با «الفتاء» مترادف است و جمع آن «شباب، شبان، شبیبه» است و از جمع بندی آراء لغت شناسان فوق‌الذکر چنین بر می‌آید که جوانی دوره میان کودکی و پیری است و اما اینکه مبدأ و منتهای آن چه وقت است؟ قدر متیقن این که بر فرد غیر بالغ «شباب» (جوان) اطلاق نمی‌شود و جوانی از بلوغ آغاز می‌شود و قدر مشترک آن سن ۳۰ سالگی است و اما از ۳۰ سالگی تا ۵۱ سالگی محل بحث و نظر است و بر بیشتر از ۵۱ سالگی نیز قطعاً جوان اطلاق نمی‌گردد.

۵- سعید الخوری در «اقرب الموارد» سن جوانی را از بلوغ تا ۳۰ سالگی ذکر کرده است.^۸
 ۶- احمد بن فارس در مجمل اللغة «دوره جوانی را در مقابل پیری» بیان می‌کند.^۹
 ۷- و بالاخره از لغویین متأخر لویس معلوف در المنجد «الشباب» را مترادف «فقاء» می‌گیرد و سن جوانی را از بلوغ تا حدود ۳۰ سالگی بیان می‌کند.^{۱۰}



□ «دوست ندارم جوانی از شما مسلمانان را ببینیم مگر اینکه روز او با یکی از دو حالت آغاز شود: یا عالم و دانشمند باشد و یا در حال فراگیری علم و دانش.»

«ای گروه جوان ابرویتان را با ادب و دینتان را با علم و دانش حفظ نمایید.»^{۱۲} دوره جوانی فرصت مناسبی برای تحصیل علم و دانش است چرا که دانش آموختن در سن پیری بازدهی بسیار کمی دارد. رسول گرامی(ص) فرموده است: «کسی که در جوانی دانش فراگیرد مانند نقش بستن بر سنگ است و کسی که در پیری فراگیرد مانند نوشتن بر روی آب می باشد.»^{۱۳}

ب: جوان و ازدواج

مهمترین مسأله جوان کنترل غریزه جنسی و تربیت جنسی اوست غریزه جنسی در جوان بسیار شدید و خداوند برای بقاء نسل آن را ضروری دانسته است. در روایات معصومین(ع) شدید بودن و لزوم چاره اندیشی برای کنترل آن را مورد توجه قرار داده اند. ابن رثاب نقل می کند که زراره در جوانی خدمت امام صادق(ع) شرفیاب شد. حضرت سؤال کردند ای زراره آیا متأهل هستی؟ گفت: خیر، حضرت فرمود: چه چیزی مانع ازدواج تو شده است؟ گفت نمی دانم که آیا ازدواج با اینها [کنیزها] پاکیزه است یا نه؟ آنگاه حضرت فرمود: کیف تصبر و انت شاب؟ چگونه صبر می کنی در حالیکه جوان هستی، برو و کنیزی خریداری کن...^{۱۴} تعبیر امام که فرمود: کیف تصبر و انت شاب دلالت بر شدید بودن غریزه جنسی در جوان است چرا

سوی خداوند بود در بین راه راهبی با او هم سفر شد، گرمای آفتاب آنها را آزار می داد. راهب گفت: از خدا طلب ابر کنیم تا سایه ای بر ما بیفتد، جوان گفت من نزد خداوند حسنه ای ندارم تا دعا کنم، راهب گفت پس من دعا می کنم و تو آمین بگو، او دعا کرد و جوان آمین گفت. ابر پیدا شد و بر بالای سر آنها حرکت می کرد، به جانی رسیدند که راه جوان از راهب جدا می شد، ابر بر بالای سر جوان حرکت کرد راهب تعجب کرد و به جوان گفت تو بهتر از من هستی و خداوند دعای تو را مستجاب کرد: داستان خود را به من بگو. جوان داستانش را با آن زن تعریف کرد، راهب گفت: گناهان گذشته تو آمرزیده شدند، مواظب آینده ات باش.»^{۱۶} از این روایت شریف معلوم می شود که خداوند به او در مقابل غلبه بر هوای نفس و غریزه جنسی مقام معنوی استجاب دعا را عطا فرموده است.

راه حل مشکل غریزه جنسی

برای تربیت جنسی و کنترل غریزه جنسی جوانان راه حل اساسی ازدواج است و بدین خاطر اسلام تأکید فراوان بر امر مقدس ازدواج دارد پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «هیچ بنائی در اسلام پایه ریزی نشده که نزد خداوند از ازدواج محبوبتر و عزیزتر باشد.»^{۱۷} ازدواج برای جوانان آثار فراوانی دارد و ما به بعضی از آنها که در این خصوص در روایات ذکر شده است اشاره می کنیم:

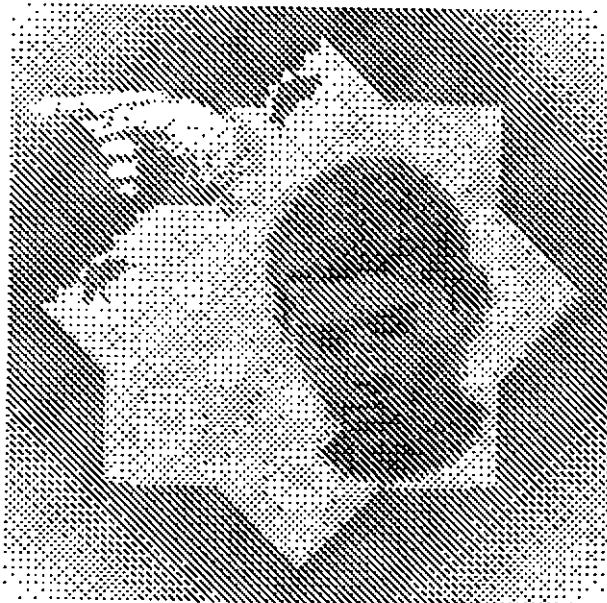
که در برابر کارهای سخت و طاقت فرسا صبر معنا دارد. نیز بخاطر شدید بودن این غریزه است که جرم گناهان شهوانی جوان خفیف تر از دیگران است. عبدالله بن طلحه از امام صادق(ع) نقل کرده است که فرمود: «اگر پیرمرد و پیره زن زنا کنند هم شلاق زده و هم سنگسار می شوند و اگر میانسال متأهل زنا کند سنگسار می شود و شلاق زده نمی شود ولی جوانی که در ابتداء سن جوانی است اگر زنا کند فقط شلاق زده می شود و بمدت یکسال از شهرش دور می شود.»^{۱۵} در مقابل اگر جوان بر تمایل نفسانی خود غلبه کرده و در برابر غریزه خود مقاومت نشان دهد و مرتکب گناه نشود خداوند پاداش فراوان و مقامات معنوی به او عطا می کند.

«ای حمزه ثمالی از امام سجاد(ع) نقل می کند که مردی همراه با خانواده اش با کشتی به مسافرت رفت، کشتی شکست و همه به جز همسر آن مرد غرق شدند، زن به کمک تخته چوبی از کشتی به جزیره ای پناه برد، در آن جزیره جوانی بود که حرمت خداوند را نگه نمی داشت، وقتی آن زن را دید به سوی او آمد و مهبای عمل ناشایست گردید. زن لرزه بر اندامش افتاد و به آسمان اشاره کرد و جوان وقتی این حالت را مشاهده کرد از کارش منصرف شد و خود را سزاوارتر به ترس از گناه دانست، جزیره را ترک کرد و به سوی اهلسن برگشت و تصمیمش بر توجه و بازگشت به

□ ای گروه جوان ابرویتان را با ادب و دینتان را با علم و دانش حفظ نمایید.

دختر به دست پدر است و از طرف دیگر دختران از حیاء بیشتری برخوردارند و علاوه بر اینها دختران بطور طبیعی زودتر به حد بلوغ می‌رسند. امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل فرموده است که «از حقوق دختر جوان بر والدین این است که در فرستادن او به خانه شوهر تعجیل نمایند». ^{۱۱} نیز آن حضرت از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرموده است «ای مردم جبرئیل از طرف خداوند لطیف و آگاه برای من خبر آورد که دختران مجرد مانند ثمره بر درخت هستند، هنگامیکه میوه‌ها آماده شود و و چیده نشود خورشید آن را فاسد می‌کند و باد آنها را پراکنده می‌سازد همچنین دختران مجرد هنگامی که مهیای ازدواج شوند دوایی جز شوهر ندارند و اگر ازدواج نکنند از گناه و فساد در امان نیستند زیرا آنان بشر هستند [و بشر از لغزش و خطاء در امان نیست]». ^{۱۲}

□ اگر جوان بر تمایل نفسانی خود غلبه کرده و در برابر غریزه خود مقاومت نشان دهد و مرتکب گناه نشود خداوند پاداش فراوان و مقامات معنوی به او عطا می‌کند.



۱ - حفظ نگاه و غلبه بر شهوت: رسول اکرم(ص) فرموده است «ای گروه جوانان هر کدام از شما که توانایی ازدواج را دارد باید ازدواج کند بدرستی که ازدواج برای حفظ نگاه نگهدارتر و برای عورت مصون تر است». ^{۱۸}

۲ - مایوس کردن شیطان: بیشترین دامها را شیطان، برای جوانان پهن می‌کند، ازدواج، جوانان را از خطر دامهای شیطان حفظ می‌کند «امام کاظم(ع) از پدرانش و آنها از پیامبر اکرم(ص) نقل کردند که فرموده است: «هرگاه جوانی در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می‌زند: ای وای، ای وای، که دو ثلث دینش را از من مصون داشت و باید در دو ثلث باقی از خدا بترسد». ^{۱۹}

۳ - ازدواج مایه سرور و سکون جوان است: امام باقر(ع) فرموده است «در زمان حضرت داود(ع) جوانی یا لباسی ژنده و مسندرس، پیش حضرت داود می‌نشست و سکوت می‌کرد، در این هنگام عزرائیل رسید و نگاه تیزی به او انداخت. داود(ع) پرسید آیا به این جوان نگاه می‌کنی؟ گفت: بلی، تا هفت روز دیگر در همین جا دستور قبض روح او را می‌دهم، داود نسبت به جوان ترحم کرد و فرمود: ای جوان آیا همسر داری؟ گفت: نه، من هرگز ازدواج نکرده‌ام، داود(ع) فرمود، پیش فلان شخص که نزد بنی اسرائیل دارای منزلت بوده برو و بگو داود به تو دستور می‌دهد که دخترت را به ازدواج من در آوری، و مقدار نفقه‌ای که لازم داری از او



از حقوق دختر جوان بر والدین این است که در فرستادن او به خانه شوهر تعجیل نمایند.

راه حل برای جوانان مجرد

همانطور که بیان شد راه حل اساسی برای جوانان ازدواج است اما در عین حال برای کسانی که به هیچ وجه امکان ازدواج برایشان نباشد تدابیری اندیشیده شده است. از مهمترین آنها پیشگیری از تحریک غریزه جنسی است. چشم‌پوشی از نامحرم، دوری از فیلمها و تصاویر مبتذل ویدئویی و غیر آن، خلوت نکردن با نامحرم، و بطور خلاصه پرهیز از هر نوع ارتباط غیر ضروری با نامحرم می‌تواند عوامل مؤثر در پیشگیری از برانگیختن غریزه جنسی باشد. راه دیگری که در روایات مورد توجه قرار گرفته است عبارت از روزه‌داری است، روزه‌داری و پرهیز از پرخوری عامل مؤثری در تعدیل غرائز است. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «ای گروه جوانان هر کدام از شما که قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند و کسی که استطاعت ازدواج را ندارد مدام روزه بگیرد...»^{۳۳} البته شاید برای بعضی افراد این شیوه، کمی عجیب به نظر برسد ولی جوانانی که یک ماه رمضان را روزه گرفته‌اند به خوبی می‌دانند که ادامه آن در طول سال و لااقل در بسیاری از ایام سال کار مشکل و طاقت فرسائی نخواهد بود.

ج: جوان و اشتغال

از مسائل مهم و اساسی جوان مسأله

کار و امدار؛ سیائی و صائغی، قصابی، حنطائی و نخاسی، آنگاه سؤال کرد معنای «سیاء» چیست؟ فرمود: کسی که کفن می‌فروشد و آرزوی مرگ امت مرا می‌کند، بدرستی که هر نوزاد از امت من نزد من محبوبتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد. اما «صائغ» کسی است که در پی زیان امت من است و اما «قصاب» ذبح می‌کند تا اینکه رحمت از دلش می‌رود و اما «حنط» مواد غذایی را بر امت من احتکار می‌کند و اگر خداوند کسی را در حال دزدی ببیند بهتر است تا او را در حال احتکار در مدت چهل روز ببیند و اما «نخاس» پس جبرئیل پیش من آمد و فرمود: ای محمد بدترین امت تو کسی است که مردم را می‌فروشد».



شغل و اشتغال اوست، اشتغال جوان از جهاتی مورد اهمیت است. از سوئی در اسلام کار و اشتغال یک ارزش محسوب می‌شود و از بیکاری و تنبلی به شدت نکوهش شده است و اشتغال و نوع آن در جامعه مایه اعتبار اجتماعی جوان است و از طرفی دیگر اشتغال وسیله تأمین معیشت است و فقر اقتصادی تا حدودی فقر فرهنگی و اخلاقی را برای جوان به همراه دارد. بدین سبب در مکتب اهل بیت (ع) تأکید بسیاری بر اصل کار و اشتغال و هم بر نوع کار متناسب و آبرومندانه شده است. بلکه از حقوق لازم فرزند جوان بر والدین محسوب شده است: امام کاظم (ع) فرموده است: شخصی خدمت رسول خدا (ص) آمده در حالیکه فرزند خود را به همراه داشت، عرض کرد: ای رسول خدا حق این فرزند بر من چیست؟ حضرت فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن، او را تربیت کن، و در جایگاه نیکو قرار بده [زمینه کسب و شغل صالح و مناسب برایش فراهم کن].^{۳۴}

نیز امام کاظم (ع) فرموده است: شخصی به همراه فرزندش خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت: ای رسول خدا (ص) من به این فرزندم کتابت و نوشتن را تعلیم داده‌ام در چه کار و شغلی او را بگمارم؟ حضرت فرمود: او را به کار و شغل مشغول کن ولی در پنج شغل به

- ۱- غرر الحکم، ۳۴۰.
- ۲- میزان الحکمة، ج ۵، ۶.
- ۳- الحدیث، ج ۱، ۳۵۵.
- ۴- تاج العروس، ج ۱، ۲۰۷ ذیل ماده شیب.
- ۵- لسان العرب، ج ۷، ۱۰ ماده شیب.
- ۶- مجمع البحرین، ج ۲، ۸۵ ذیل ماده شیب.
- ۷- مصباح المنیر، ج ۱، ۲۴۴ ذیل ماده شیب.
- ۸- اقرب الموارد، ج ۱، ۵۶۶-۵۶۵ ذیل ماده شیب.
- ۹- مجمل اللغة، ج ۱، ۴۹۹ ذیل ماده شیب.
- ۱۰- بخاری، ج ۱، ۲۲۱، ج ۳۴.
- ۱۱- گفتار فلسفی جوان، ج ۱، ۱۹۴ به نقل از تاریخ یعقوبی.
- ۱۲- میزان الحکمة، ج ۲، ۷۵.
- ۱۳- بخاری، ج ۶۹، ۱۶۶، ج ۳۴.
- ۱۴- تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ۴، ج ۱۰.
- ۱۵- بخاری، ج ۶۷، ۳۶۱، ج ۶.
- ۱۶- مستدرک الوسائل، ج ۲، ۵۳۱.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- بخاری، ج ۱، ۲۲۱، ج ۳۴.
- ۱۹- همان، ج ۴، ۱۱۲-۱۱۱، ج ۳۱.
- ۲۰- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ۱۹۹، ج ۷.
- ۲۱- الکافی، ج ۵، ۳۳۷، ج ۲.
- ۲۲- بخاری، ج ۱، ۲۲۲، ج ۳۲.
- ۲۳- الکافی، ج ۶، ۴۸.
- ۲۴- مستدرک امام کاظم، ج ۲، ۳۶۱.